

# اولد قمر

حافظ تجربه ای یگانه و استثنائی در تغزل است. و شعرش تافته ای جدا بافته از اشعار دیگران. پیامش پیام دُرَدانه ایست که غبار گذشتِ روزگاران بر رخساره ندارد. حلاوت سخن اش ... از آن رو برای دریافت پیام و مقصود او، زبان او، وشگردهای او باید از اشعار خود او مدد خواست. اگر چه او زادهٔ زمینۀ اجتماعی و زمانۀ خویش است اما کارنامۀ شعرش فراتر از زمینۀ و زمانۀ اوست. و از این رو، نُخست این که در تاریخ و نسل های یکی پس از دیگری چهره ای ماندگار و جاودانه است و دیگر آن که اگر چه بارها، و بارها در ادوار گوناگون به این بهانه یا آن دستاویز دین و دیوانش به قرنطینه کشیده شده و از مَنظَرِ مَلک و مَلکوت بهداشتی شده است. ابیاتش دستکاری شده تا او را در دایرۀ دینداری، در حلقۀ مرید و مرادی دیر صوفی خانقاهی، غزلت نشین خلوت عارف لاهوتی، یا ملازم و تحسین گوی پادشاهی قلمداد شود هنوز چهرۀ شاخص اش هویدا ست. آنجا که بهداشتیان از ممیزی دین و دیوانش درمانده اند توالی ابیات غزلهایش را دگرگون کرده تا در پرتوی دگرسانی ابیاتش آن را بی دندان کنند تا مبادا به دامن کسی غبار از نقد نشیند.